

پرسش شماره ۴۴

نشریه سیاسی قانون مباحث کونینم کارگری



چهارشنبه هشتم اردیبهشت ۱۴۰۰ - بیست و هشتم آپریل ۲۰۲۱

به مناسبت اول مه ۱۴۰۰

تاکید بر چند ویژگی بیانیه های کارگری

محمد آسنگران

صفحه ۳

می پرسند چه تضمینی وجود دارد که

در فردای سرنگونی رژیم خون و خونریزی نشود؟

علی جوادی

سؤال مهم و کلیدی که مدتها است در رسانه های مجازی و فضای

صفحه ۴

مارش روز جهانی کارگر،

فقط کف خیابان، بدست میاد حقان! (۲)

پدرام نواندیش

صفحه ۶

آیا رژیم اسلامی با پول برجام جدید،

عمر بیشتری برای خود میخورد؟

علی جوادی

صفحه ۸

یک بار هم شده، مدافع قاتلان مردم ایران نباشید!

محمد آسنگران

خطاب به خاتم مسیح علینژاد:

آیا امکان دارد اشتباهی هم شده یک بار در زندگیت مدافع قاتلان مردم

صفحه ۱۰

اول ماه مه در دل کرونا

محمد رضا پویا

اول ماه مه نزدیک است. هر سال پرچمهای سرخ، زنده باد سوسالیسم، اعتراض و مطالبه و فریاد، آذین بند خیابانها میگردد. در هر کشوری کارگرانش اعتراض خود را بزبان همان جغرافیا فریاد میکنند، هر چند زبانها مختلفند اما در این روز کارگران همه هم زبانند. این شاید بزرگترین ویژگی یکم می در سراسر جهان است. علیرغم وجود تمامی مرزها و جدایی ها و علیرغم تزیق سمومات ناسیونالیستی طبقه حاکم به جامعه، آنچه در اول ماه مه بنمایش در می آید همسرنوشتی کارگر در سراسر جهان است.

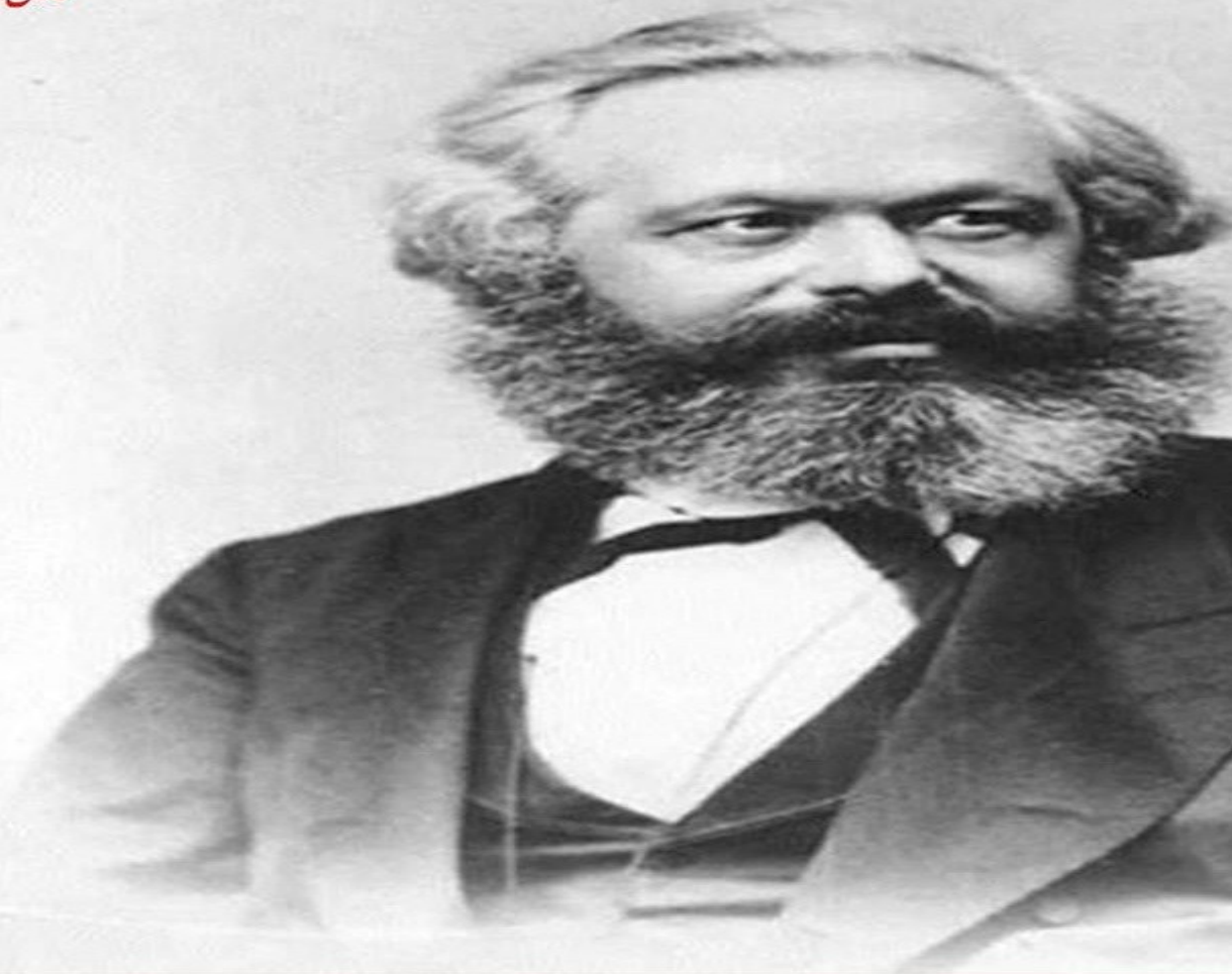
اول مه امسال در ایران در شرایطی متفاوت از سالهای دیگر برگزار میشود، متفاوت نه از بابت وضعیت دستمزد و سطح فقر و رفاه کارگر که همه خطوط قرمز را در نور دیده، نه از جهت میزان سرکوب و دستگیری فعالین کارگری که با شدت تمام ادامه دارد، بل از این منظر که کل جامعه در چنگال ویروس کرونا گرفتار شده است. در آستانه اول ماه مه، تقریبا تمامی شهرهای کشور در وضعیت دهشتناکی با موج چهارم کرونا دست و پنجه نرم میکند. آمار رسمی بمانند همیشه کیلومترها از واقعیت سیاهی که حیات فیزیکی مردم را به خطر انداخته، دور است. مشکل بتوان میزان تلافات را حتی حدس زد. کسی نمیداند چه تعداد مردم در نتیجه ابتلا به ویروس جان باختند. تنها از اخبار ارسال مردم میتوان فهمید که نفس جامعه به شمارش افتاده است. تصاویر دهشتناک هستند. مردم از شمال تا جنوب بدون هیچگونه

کارگران جهان متحد شوید!

توهمی همگی متفق القولند که رژیم اسلامی بفریاد کسی نخواهد رسید، میگویند رژیم برای بعقب انداختن و زمینگیر کردن اعتراضات مردم، خواهان ادامه این وضعیت است. آنچه قابل مشاهده است تحمیل ماندگاری شیوع میلیونی کرونا در میان مردم و یک عزم بزرگ برای سرنگونی رژیم اسلامی است. بی شک ادامه زندگی زیر سایه کرونا بدون هیچگونه برنامه ای برای محدود کردن شیوع و اکسیناسیون عمومی، امری غیر ممکن است. این دیگر بمانند زلزله و سیل در یک شهر و منطقه نیست که رژیم اسلامی بتواند با سرکوب و شیادی، خانه خرابی مردم را مشمول مرور زمان کند و از اذهان بزداید. این یک فاجعه بزرگ است که کل مردم در سراسر کشور را درگیر خود کرده است. از همینرو یک سر تمامی اعتراضات در جامعه به مسله کرونا وصل شده است. اقتصاد فرو پاشیده در دل امواج کرونا، مرگ، فقر و بیکاری برای طبقه کارگر به ارمغان آورده است. برخی تشکلات کارگری با اشاره به تاثیرات کرونا بر زندگی کارگران، عنوان میکنند که در دوره شیوع کرونا تاکنون ۷۰ درصد از زنان شاغل، بیکار و اخراج شده اند. خط فقر از مرز ۱۲ میلیون تومان هم عبور کرده است و اگر برای ترسیم اوضاع اقتصادی حتی به امارهای نیم بند صندوق بین المللی پول هم مراجعه کنیم، باید گفت در سال جاری برای تشریح وضعیت معیشت کارگران، با کمبود "وازه ها" و مفاهیم قابل درک روبرو خواهیم شد. در یکسال گذشته علیرغم اینکه فقر، سرکوب و کرونا بر زندگی کارگران خیمه زده بود، ما شاهد مبارزات وسیع کارگری بودیم. آنچه اول ماه مه را به اعتراضات کارگری وصل میکند، در پله اول عزم کارگران برای سرنگونی رژیم اسلامی جهت پایان دادن به همه دردها و مصایب جامعه است و در پله دوم همگانی شدن شعار "اداره شورایی" جامعه و امکانپذیری و مطلوب بودن سوسیالیسم است. زنده باد اول ماه مه.

فلاسفه شیوه‌های کوناگون جهان را تفسیر کرده‌اند، مسئله اصلی اما تغییر جهان است.

کارل مارکس



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



به مناسبت اول مه ۱۴۰۰ تاکید بر چند ویژگی بیانیه های کارگری

محمد آسگران

فعالین کارگری بویژه کارگران رادیکال و سوسیالیست تلاش کردند که گرایشات دیگر را هم قانع کنند سیاست رادیکالی را در پیش گیرند. بیانیه ها نشان میدهد که تا حدود زیادی در این امر موفق شده اند. چنانچه کل بیانیه هایی که تا کنون به مناسبت اول مه منتشر شده اند سیاستی رادیکال ضد سرمایه داری و چپ را نمایندگی میکنند. علاوه بر این آنجا که گرایشات دیگر با خط و سیاست دیگری تداعی میشدند پرچم شان کم رنگ و یا بیرنگ گردید. رادیکالیسم ضد سرمایه داری در جنبش کارگری و به طبع در جامعه ایران و در جنبشهای اعتراضی چنان جایگاه و قدرتی پیدا کرده است که گرایشات سازشکار رفرمیست و خرده بورژوازی نتوانستند تاثیر جدی بر خط و سیاست حاکم بر بیانیه ها و قطعنامه داشته باشند.

امروز حتی سران رژیم اسلامی و نیروهای راست و ناسیونالیست اپوزیسیون هم نمیتوانند از حضور برجسته و تاثیر گذار جنبش ضد سرمایه داری چشم ببوشند و هر کدام به نوبه خود تلاش میکنند مانع رشد این گرایش شوند. جمهوری اسلامی نه تنها با سرکوب و ارباب، بلکه از نظر سیاسی افراد شاخص خود را به جلو صحنه آورده است که بگویند آنها هم از اوضاع فعلی راضی نیستند. تا جایی که ضرغامی خود را دوست دار چگوارا میدانند و از شعار نان، مسکن آزادی حرف میزنند و خانم شیرین عبادی از وجود آلترناتیو در جامعه ایران میگوید و کارگران هفت تپه را نمونه وجود این آلترناتیو میدانند و رضا پهلوی از قدرت و نفوذ سوسیالیستها میگوید و بخشی از جریانات راست تحت عنوان "نه به جمهوری اسلامی" با پز سوسیال دمکراسی حضور سیاسی خود را تزیین میکنند. همه این تحولات ناشی از قدرت و نفوذ برجسته گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری است.

همچنانکه قبلاً هم تاکید کرده ام شک نداشته باشید فردا وقتی که جمهوری اسلامی ضعیف تر بشود و جنبش کارگری با قدرت بیشتری به میدان بیاید، بخشی از سران سپاه هم با پرچم "نه به جمهوری اسلامی" و همانند ضرغامی مدافع نان، مسکن، آزادی خواهند شد.

اما جنبش کارگری و فعالین و رهبران این جنبش این ترفندها را میشناسند. کمونیستهای کارگری میدانند که بورژوازی خوش قلب در ایران نداریم.

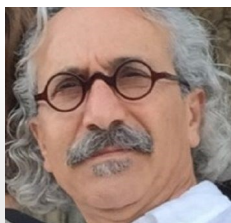
[ادامه مطلب در صفحه ۵](#)

بیانیه های که فعالین و تشکلهای کارگری که تا کنون منتشر شده اند نکات زیادی را به عنوان ادعای خود اعلام کرده اند. اینجا میخواهم به چند مورد از برجسته ترین نکاتی که در بیانیه هایی کارگری به مناسبت اول مه ۱۴۰۰ تا کنون منتشر شده است بپردازم: اعلام اینکه طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و اتحاد و همبستگی جهانی این طبقه مورد تاکید بوده است از مواد همه بیانیه ها است. نقد سرمایه و به مصاف طلبیدن نظام سرمایه داری و نفی استثمار و تبعیض برای رهایی انسان از جامعه طبقاتی موجود در اول مه امسال برجسته تر از سالهای قبل خودنمایی میکند. بیانیه های کارگری امسال آشکارتر از همیشه با پرچم سرخ و با پرچم ضد سرمایه داری ادعای جنبش کارگری ایران علیه نظام حاکم را نمایندگی کرده است. پرچمی که نه توهمی به سرمایه ملی دارد و نه رنگ و بوی وطنی دارد. علیه تفرقه افکنی گرایشات بورژوازی و در تقابل با قوم پرستی و ناسیونالیسم ایرانی بر اتحاد طبقاتی تاکید کرده اند. ملیت و مذهب در این بیانیه ها جایی ندارد. یک بار دیگر جنبش کارگری نشان داد که آرزوها و آرمانهای جامعه تحت ستم ایران را نمایندگی میکند.

این جنبشی که در ایران پا به میدان گذاشته است، بخشی از جنبش جهانی طبقه کارگر است. کارگران رسماً و علناً در قطعنامه هایشان اعلام کرده اند که تفاوت های ملی، نژادی، رنگ پوست، مذهب و جنسیت عواملی هستند که بورژوازی برای تفرقه انداختن در جنبش کارگری آنها را باد میزند. تدارک و آمادگی فعالین کارگری برای اول مه!

از حدود دو ماه قبل از روز جهانی کارگر ما شاهد جنب و جوش فعالین کارگری برای استقبال از این روز بودیم. در اکثر مراکز کارگری، فعالین و رهبران عملی بحث چگونگی و کجا برگزار کردن مراسمهای اول مه را شروع شد. همانند سالهای گذشته تاکید این بود که مراسمهای اول مه امسال باید مستقل از خانه کارگر و عوامل دولتی باشد. بطور ویژه ای بر اتحاد و همبستگی طبقاتی و در هماهنگی با معلمان و پرستاران و بازنشستگان و همه اقشار تحت ستم تاکید شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



می پرسند چه تضمینی وجود دارد که در فردای سرنگونی رژیم خون و خونریزی نشود؟

علی جوادی

سرنگونی رژیم اسلامی اشاره کرد و کوشید فاکتورهای معینی که در خنثی کردن چنین وضعیتی دخیلند را دقیق و روشن برشمرد.

۴- واقعیت این است که شناخت مخاطرات احتمالی در پروسه سرنگونی شیرین رژیم اسلامی بخشی از مقابله موثر در شکل گیری چنین وضعیتی است. اینکه سرنگونی رژیم اسلامی میتواند به یک پروسه کشدار و پر مخاطره تبدیل شود، مستقل از درجه احتمال آن، واقعیتی انکار ناپذیر است. تحولات سیاسی در بسیاری از جوامع در دوران اخیر نشان داده است که جایگزینی رژیمهای سیاسی الزاما سریع و بی مخاطره نیست، میتواند پر پیچ و خم و پر مشقت باشد. این احتمال را باید برسمیت شناخت و برای خنثی کردن آن تلاش کرد. این واقعیتی است که منصور حکمت بطور مشخص از آن بعنوان "سناریوی سیاه" در مقابل "سناریوی سفید" تحولات سیاسی نام برده است.

۵- مهمترین فاکتور و مولفه در شکل گیری چنین وضعیتی خود رژیم و نیروهای شکل دهنده آن است. چگونه؟ واقعیت این است که اگر سرنگونی رژیم در پس یک خیزش عظیم سکولاریستی و آزادیخواهانه و سراسری و رادیکال صورت پذیرد و بساط دستگاه سرکوب و دستجات اوباش مسلح رژیم تماما برچیده و خنثی شود، چنین سناریویی اساسا غیر محتمل و غیر واقعی خواهد بود. بر عکس، هر گونه بند و بست و سازش با بخشهایی از خود رژیم و یا هر سناریوی تغییر و تحول و گذاری که بخشهایی از رژیم و ارگانهای حاکمیت خونین آن را حفظ کند، احتمال شکل گیری چنین پروسه ای عملا تشدید خواهد شد. واقعیت حضور تانکونی طالبان در افغانستان و بند و بست با این جریانات اثبات چنین ادعایی است.

۶- رژیم اسلامی بر خلاف رژیم شاه حکومتی تماما متمرکز نیست که تمام قدرت در راس حاکمیت متمرکز شده باشد. رژیم اسلامی مجموعه ای از باندها و نیروها و دستجات تروریستی و اسلامبستی است. خامنه ای در راس حاکمیت است اما تمام قدرت در راس حاکمیت متمرکز نیست. به همین اعتبار سرنگونی رژیم اسلامی

سیاسی جامعه بر گشت و گذار است و این روزها در "کلاب هاوس" مرتب تکرار میشود: "چه تضمینی وجود دارد که در فردای سرنگونی رژیم خون و خونریزی نشود؟"

در بررسی و پاسخ باید به مفروضات و اهداف نهفته در این پرسش و همچنین اشاراتی به پروسه های احتمالی در پس تحولات سیاسی آتی داشت. از مفروضات و اهداف چنین پرسشی باید آغاز کرد.

۱- یک رکن تبلیغات دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسلامی بر این سیاست تکیه دارد که سرنگونی رژیم اسلامی منجر به جنگ داخلی، تکه پاره شدن و از هم گسیختن شیرازه جامعه و هرج و مرج و آناشسی تمام عیار در جامعه خواهد شد. این تبلیغات بطور وارونه تلاش میکند تا مطلوبیت رژیم اسلامی را در مقابل آینده "تیره ای" که در این تصاویر ترسیم میشود، نشان دهد و مردم سرنگونی طلب را برای برحذر داشتن از چنین آینده ای به رضایت به حفظ وضع موجود بکشانند. جالب است رژیم اسلامی میکوشد مردم مشتاق سرنگونی رژیم را به هراس از وضعیت تیره ای در پس سرنگونی خود بیندازد!

۲- این تبلیغات در عین حال بر واقعیت و فرض روشنی استوار است. سرنگونی رژیم اسلامی پیش فرض این سؤال و پرسش است. چه پرسش کننده فرضی و چه دستگاه تبلیغاتی و اطلاعاتی رژیم بر این فرض تکیه دارند که مردم خواهان سرنگونی رژیم اسلامی اند و نتیجتا پرسش و تبلیغات خود را بر این فرض استوار کرده اند. طرح این سؤال در عین حال نشان تحمیل واقعیت و حضور قدرتمند جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم به رژیم اسلامی و دستگاه تبلیغاتی اش است.

۳- پاسخ به این پرسش نمیتواند صرفا بر خنثی کردن و افشای تبلیغات رژیم اسلامی و یا هراس افکنی های آن استوار باشد. علاوه بر این باید به واقعیات و مخاطرات احتمالی در پروسه

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران!

طبقه کارگر با آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری خود فاکتور تعیین کننده در کوتاه و کم مشقت کردن پروسه سرنگونی رژیم اسلامی است.

۹- علاوه بر نقش کلیدی طبقه کارگر در راس اعتراضات جامعه فاکتور مهم دیگر حضور قدرتمند آزادیخواهی، برابری طلبی و سکولاریسم در تقابل با گرایشات اسلامیستی و قوم پرستانه و ناسیونالیستی است. به هر میزان که افق و سیاست اسلامیستی و قوم پرستانه و ناسیونالیستی حاشیه ای و منزوی شود، به همان میزان نیز سدی در مقابل چنین مخاطراتی ایجاد شده است.

۱۰- اگر کسی ریگی به کفش نداشته باشد و خواهان تضمینی در قبال مخاطرات احتمالی در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی باشد، خواهان کم مشقت ترین پروسه چنین تغییر و تحولاتی باشد، باید به صف و اردوی نیروی تعیین کننده و جنبشی بپیوندد که میتواند ضامنی اساسی در جهت خنثی کردن چنین سناریوی سیاهی باشد. هر چه پروسه سرنگونی رژیم اسلامی قاطعانه تر، رادیکال تر، سازمان یافته تر و تحت رهبری همه جانبه نیرویی کمونیستی به پیش برده شود، احتمال وقوع شکل گیری چنین مخاطراتی کم تر است. تنها آلترناتیو کارگری و اردوی کمونیسم کارگری میتواند در صورت لزوم با شکل گیری ارتش کارگری بساط انواع و اقسام اوباش اسلامیستی و قوم پرست و آریایی را جمع کند.

نمی‌تواند محدود به بزیر کشیدن و سقوط دار و دسته خامنه ای و ولایت فقیه شود. باید کل رژیم اسلامی با تمام قوای سرکوب و دستجات تروریستی اش را سرنگون کرد. حفظ و بقاء هر تکه از پیکره اسلام سیاسی عاملی در جهت خون پاشی به تحولات آتی و پروسه سرنگونی رژیم اسلامی است.

۷- وجود تکه پاره ها و دستجات تروریستی - اسلامیستی در پس سقوط جریان اسلامی عامل اصلی در خون پاشی و شکل گیری یک سناریوی سیاه در تحولات آتی اند. اما نیروهای چنین سناریویی محدود به جریانات اسلامی نیستند. در صورت شکل گیری چنین وضعیتی جریانات قومپرست و فالانژهایی آریایی نیز یک پای دیگر چنین شرایطی خواهند بود. جریاناتی که وجه مشترکشان عدم پایبندی به هرگونه اراده آزاد و حقوق پایه ای و انسانی مردم و جامعه ای سکولار و آزاد و برابر است.

۸- سرنگونی رژیم اسلامی حتمی است. مساله بر سر چگونگی سرنگونی رژیم اسلامی است. خنثی کردن مخاطرات احتمالی در تحولات آتی مستلزم حضور همه جانبه طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی در پروسه سرنگونی رژیم و در راس اعتراضات توده های مردم بپا خاسته است. نقش

ادامه مطلب محمد آسنگران به مناسبت اول ماه مه ۱۴۰۰ ..

میدانند بورژوازی دمکرات نداریم. میدانند که همه گرایشات بورژوایی با هر شعار و پرچمی که به میدان بیایند منفعت طبقه خود را نمایندگی میکنند. جنبش کارگری فقط با پرچم آزادی و برابری یعنی سوسیالیسم میتواند به اهداف و آرمانهای خود برسد. آرمان رهایی انسان برپایی جامعه ای آزاد و برابر و عاری از هر نوع تبعیض است و جنبش کارگری پیشتاز و پرچمدار این آرمان است.

زنده باد اول مه! زنده باد اتحاد و همبستگی جنبش کارگری!

۲۷ آوریل ۲۰۲۱

کارگران جهان متحد شوید!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

نه به فقر، نه به تبعیض، نه به سرمایه داری!



مارش روز جهانی کارگر، فقط کف خیابان، بدست میاد حقان! (۲)

پدرام نواندیش

وسیعتری از شهروندان را به کام فقر کشانده است. همانطور که گفته شد، آمارها بیانگر رشد فقر و بیکاری و بسیاری مصائبی است که گریبان بالغ بر ۹۵ درصد شهروندان را گرفته است، و به این اعتبار، جنبشهای اجتماعی در عرصه مبارزه علیه رژیم اسلامی شکل گرفته اند.

بنا بر همین مشاهدات میدانی، بخشهای وسیعی از شهروندان با مطالبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، در اشکال مختلف، مطالبهگری خود را افزایش داده اند. افزایش شمار اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان، به فقر رانده شدگانی که حداقل پس انداز هایشان توسط دولت غارتگر اسلامی به یغما برده شده، مدافعین محیط زیست، و... بسیاری دیگر از اعتراضات اجتماعی که هر روزه گزارشاتی از آنها در عرصه شبکه های اجتماعی توسط معترضان منتشر می شود، بیانگر روند غیر قابل بازگشت، عدم توانایی ادامه حاکمیت از سوی رژیم اسلامی سرمایه داری از یک سو، و نخواستن تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی از سوی کارگران و میلیونها توده کارکن جامعه است.

سیر رویداد های سیاسی، خصوصا از اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ مبین تغییرات قابل ملاحظه ای در سازماندهی اعتراضات، افزایش کمی اعتراضات و معترضان، رادیکال شدن مطالبات اجتماعی معترضان، و تاکید بر حضور خیابانی به جای حضور مجازی است. علاوه بر آن میتوان مشاهده کرد که معترضان از شبکه های اجتماعی به عنوان ابزاری هم برای فراخوان اعتراضات و هم از آن به عنوان ابزاری برای انتقال تجارب مبارزاتی استفاده می کنند.

برای آنها که شناختی از مکانیزم جامعه طبقاتی سرمایه داری دارند، سرمایه داری با بفرما و لطف حقوق انسانی طبقه کارگر را اعم از حق تشکل، حق اعتصاب، دستمزد مکفی برای یک زندگی مرفه و انسانی و... به رسمیت بشناس و به آن گردن بنه، یک توهمی بیشتر نیست. خصوصا در جوامعی که دولت های هاری مثل جمهوری اسلامی اریکه قدرت سیاسی سرمایه را در کف دارند، فقط با اعتصاب و اعتراض کف خیابان و میادین است که میتوان این دولتها

دوم: جنگ بی امانی که از سوی سرمایه داران و دولت های اسلامی آنها، چه اصول گرا و چه اصلاح طلب شان، علیه کارگران و میلیونها توده کارکن جامعه در جریان است، با اعتراضات وسیع و هر روزه اجتماعی روبرو شده است. بنا بر ماهیت رژیم اسلامی سرمایه داری ایران و طی ۴۲ سال گذشته، پیامد اتخاذ سیاست سرکوبگرانه تحمیل فلاکت اقتصادی از سوی رژیم اسلامی، فقر و فلاکت بخش های وسیعی از شهروندان را به دنبال داشته است. واقعیت های زندگی شهروندان، بیانگر بحران در بسیاری از حوزه های اجتماعی جامعه تحت حاکمیت رژیم است. بحران موجود که در تمامی عرصه های اجتماعی خود را نمایان می کند، استنتاج استیلا مناسبات ویرانگر اقتصادی سرمایه داری و حاکمیت یکی از هارترین و خوفناک ترین دولتهای مدافع این نظام اقتصادی ویرانگر است. موجودیت جمهوری اسلامی از ابتدا، توأم با بحران های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی بوده است. سرمایه داری به عنوان یک نظام اقتصادی منقسم به طبقات، مطابق قوانین ذاتی اش، از ابتدای تسلطش بر جوامع، با بحران های ادواری مواجه بوده است. دولتهای سرمایه داری همواره بار بحران های اقتصادی شان را به طبقه کارگر شاغل و بیکار، تحمیل کرده اند. این طبقات کارگر و توده های کارکن جوامع سرمایه داری بوده که قربانی بحران های این نظام نابرابر شده اند. در هر بحران بخش های وسیعی از شهروندان به فقر در غلطیده و به صف عظیم طبقه کارگر رانده شده اند.

دولت بورژوازی اسلامی بحران زده ایران نیز طی ۴۲ سال گذشته، بار بحران هایش را به طبقه کارگر و میلیونها توده کارکن جامعه تحمیل کرده است. مقاطعی مثل آذر ماه ۸۹ (حذف یارانه های انرژی) و آبان ۹۸ (افزایش سه برابری بهای بنزین)، نمونه های تیبیک و برجسته ای در تحمیل بار بحران های رژیم اسلامی به طبقه کارگر و توده های کارکن جامعه بوده است. هر سال عمر رژیم اسلامی، تشدید نکبت و مصیبت برای شهروندان جامعه را به دنبال داشته و توده های

زنده باد جنبش مجامع عمومی کارگران!

را به پذیرش مطالبات به حق کارگران مجبور ساخت. شعار های این روزهای کارگران و بازنشستگان و معلمان در مقابل مراکز حکومت اسلامی سرمایه، کاملاً آشنا است. شعار فقط کف خیابان بدست میاد حق مان، فریاد آنهایی است که هیچی برای از دست دادن ندارند، مگر زنجیر هایشان. این فریاد آشنا در جای جای جهانی است که نظام سرمایه داری عنان آن را در کف گرفته و موجد تمام مصائب بشر امروز است.

طبقه کارگر ایران، میلیونها کارکن جامعه، زندگی و حیات شان توسط رژیم اسلامی به گروگان گرفته شده است. افزون بر گرسنگی و فقر و فلاکت، بیماری کرونا، جان میلیونها نفر را تهدید می کند. دولت سرمایه داری ایران نه میخواهد و نه اراده ای برای تامین بهداشت عمومی و رایگان و در اینجا تامین واکسن برای بیماری مهلک کرونا را دارد.

تمام ثروت خلق شده توسط طبقه کارگر، در قرق عده ای سرمایه دار انگل و دولت هار اسلامی آنها قرار دارد که می بایست صرف تامین هزینه واردات واکسن کرونا و تامین رایگان مایحتاج عمومی شهروندان در شرایط پاندمی کرونا شود.

کارگران و توده های کارکن جامعه، شهروندانی که تمام هستی شان از سوی رژیم اسلامی سرمایه به گروگان گرفته شده است، اگر امروز کاری نکنند، یا باید از گرسنگی بمیرند و یا جانهای عزیزشان توسط بیماری کرونا گرفته می شود.

جمهوری اسلامی کاملاً بر این دوگانه مردن از گرسنگی و یا مردن از کرونا، آگاه است و خود در واقع این دوگانه را مقابل کارگران و توده های کارکن جامعه قرار داده است. از کرونا به عنوان ابزاری برای حفظ عمر نکبت بار خود استفاده می کند. بنابراین تمام بردگان مزدی چه آنها که شاغل هستند، چه آنها که ارتش میلیونی بیکاران را تشکیل می دهند و چیزی برای از دست دادن ندارند به جز زنجیر هایشان، باید این دوگانه تحمیلی از سوی رژیم اسلامی سرمایه داران را بشکنند و خود این نظام و دولت متحجر و غارتگر آن را بزیر بکشند. پیام اول ماه مه روز جهانی کارگر به درستی از سوی میلیونها کارگر و مزدبگیر جامعه دریافت شده است. فقط کف خیابان، بدست میاد حقمان!

اول ماه مه یک روز تاریخی است. سمبل آینده نگری و امید بشریت کارکن برای یک دنیای بهتر و انسانی است. تاریخه اش به اعتراض کارگران شیکاگو برای هشت ساعت کار برمیگردد. اما امروز پیامی بسیار فراتر از مطالبات اولیه خود برای تثبیت هشت ساعت کار در روز دارد. پیامش فریاد کارگر برای رهایی و خلاصی از انقیاد طبقاتی است. پیامی برای آزادی انسان از قید و بند نظام استثمارگرانه سرمایه داری و ایجاد جامعه نوین. جامعه ای که تنها میتواند یک جامعه آزاد کمونیستی باشد. بنظر من اهمیت اول ماه مه اساساً در طرح مطالبات عدیده کارگری نیست. جنبش ما به کررات مطالبات خود را در اعتراضاتش در تجمعاتش و در اعتصاباتش مطرح کرده و میکنند. اگر اول ماه مه جایگاهی دارد پیام عمومی و طبقاتی و جهانی آن است. روزی که طبقه کارگر بیش از هر چیز به ریشه مسائلی که شکل دهنده وضعیت استثمارگرانه امروز است میپردازد. اول ماه مه یک انتقاد اجتماعی بنیادی و زیر و رو کننده به نظام موجود یعنی سرمایه داری است. انتقاد طبقه ای است که هیچگونه منفعتی در حفظ مناسبات و شرایط داده شده ندارد. اول ماه مه پرچم اعتراض به کلیت نظام اقتصادی و اجتماعی موجود است. اول ماه مه انتقاد به نظامی است که بدون به اسارت گرفتن و استثمار بشریت کارکن نمیتواند یک روز به بقای خود ادامه دهد. اول ماه مه تأکیدی است که حتی عمیق ترین و ریشه ای ترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی در نظام کنونی بنیادهای ضد انسانی و اسارت آور نظام کنونی را دست نخورده باقی میگذارد. به این اعتبار اول ماه جایگاه ویژه ای در مرکز کشمکش های جامعه ایفا میکند. قدرت پیام جنبش آنتی کاپیتالیستی طبقه کارگر در اول ماه در این مجموعه است. اول ماه تأکیدی بر این واقعیت است که رهایی انسان به رهایی کارگر گره خورده است. کارگر برای آزادی خود ناچار به نابودی و فناء طبقات متخاصم در جامعه است و بر خلاف تمام کشمکشهای تاکتونی طبقاتی ماحصل این مبارزه پیروزی یک طبقه و اعلام برتری طبقه کارگر نیست. بلکه پایان دادن به کل این کشمکش هدف غایی اش است. بشریت باید بتواند خود را از این دوران جهالت و بربریت نجات دهد. و این در گرو انقلابات کارگری است.

تاکیدات ما در اول ماه مه اساساً بر این افق آینده ساز و رهاییبخش استوار است. ما در اول ماه مه ما بر همبستگی جهانی طبقه کارگر تأکید میکنیم. تأکید میکنیم که طبقه کارگر طبقه ای جهانی است. طبقه ای است که آینده بشریت به تلاش و تکاپوی آن وابسته است. طبقه ای که هر ذره آزادی و انسانیت در جامعه به دامنه قدرت کارگر و تشکلاتش گره خورده است. قرن حاضر قرن جهانی شدن و اثبات این عظیم ترین حقیقت تاریخی است.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

آیا رژیم اسلامی با پول برجام جدید، عمر بیشتری برای خود میخرد؟

علی جوادی

است. آنچه محتمل است، نه دستیابی به یک توافق همه جانبه بلکه توافق بر سر برخی از مسائل از جمله میزان غنی سازی توسط رژیم اسلامی و توافق بر سر میزان اورانیوم غنی شده بمنظور انتقال آن به خارج کشور است. مساله تسهیلات موشکی رژیم اسلامی و فعال مایشایی رژیم در سوریه، عراق، لبنان و یمن از جمله مسائل حاد و پیچیده ای هستند که توافق همه جانبه را مشکل و بعضا دور از دسترس و یا حداقل به یک پروسه کشدار تبدیل میکنند. نتیجتا دستیابی به توافقی همه جانبه که بتواند تغییر چشمگیری در مناسبات آمریکا و حکومت اسلامی ایجاد کند، چندان محتمل نیست. توافقات احتمالی تک نوبتی و اساسا "قراردادی" خواهند بود.

۳- میزان پولهایی که در پس فروش نفت به عراق و چین و کره و برخی دیگر کشورها توسط تحریمهای تجاری و بانکی حکومت اسلامی بلوکه شده چیزی حدود ۲۰ میلیارد دلار است. توافق احتمالی در وین بخشی و یا کل این پولهایی بلوک شده را آزاد خواهد کرد. پولهایی بلوک شده در این دوره حدود ۲۰٪ پولهایی بلوک شده در زمان اوباما است. نه آزاد سازی آن مبالغ توسط اوباما توانست عمری برای رژیم اسلامی بخرد و نه آزاد سازی این پولها میتواند چنین تاثیری بر اوضاع سیاسی ایران و مناسبات مردم و رژیم اسلامی داشته باشد. تردیدی نیست که آزاد سازی این مبالغ میتواند رژیم را از امکانات مالی معینی برخوردار کند اما در عین حال تردیدی نیست که چنین امکانات مالی ای هرگز قادر نخواهد شد تغییری در بحران حکومتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رژیم اسلامی ایجاد کند. حکومت اسلامی در دوران احمدی نژاد صدها میلیارد دلار در آمد داشت که نه تنها تغییری در مناسبات مردم و رژیم و اسلامی صورت نگرفت بلکه ما در دوره های آتی شاهد خیزشهای توده ای مانند خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ بودیم.

۴- هر گونه تداوم بخشیدن به عمر رژیم اسلامی در میان مدت، علاوه بر سیاست سرکوب وحشیانه همیشگی، تنها میتواند بر مبنای ایجاد نقطه سازشی میان مردم و حاکمیت اسلامی ایجاد گردد. چنین نقطه سازشی نه در دوران خاتمی یک واقعیت بود و نه به طریق اولی در دوران کنونی میتواند کوچکترین زمینه ای برای تحقق داشته باشد. مردمی که دو دوره خیزش عظیم سراسری و توده ای

این سئوالی است که در برنامه تلویزیونی "کانال یک" توسط شهرام همایون، مدیر تلویزیون و مجری برنامه، در مقابل شرکت کنندگان در پانل سیاسی هفته قرار گرفت. این سئوال جدی تر و به همین اعتبار مهم تر از آن است که با سه دقیقه بتوان حق مطلب را در پاسخ به آن ادا کرد. به چند نکته در این رابطه باید اشاره کرد:

۱- این سئوال بر پیش فرض معین و همچنین سیاست معینی استوار است. سیاستی ضد انسانی، سیاسی دست راستی. سیاستی که تحریم اقتصادی را یک تاکتیک مهم در پیشروی مبارزه علیه رژیم اسلامی برای جنبش خود قلمداد میکند. در این سیاست خانه خرابی مردم و گسترش فقر و فلاکت مردم تحت تاثیر این سیاست، علاوه بر سیاست به فقر و فلاکت کشاندن مردم توسط رژیم اسلامی، واقعیتی "بی اهمیت" است. "هزینه ای" است که نیروهای دست راستی حاضرند برای پیشروی سیاسی خود بر مردم تحمیل کنند. "هزینه ای" که خود مردم سهم و اختیاری در تعیین و یا انتخاب آن نداشته و صرفا قربانیان "خاموش" آن هستند. جالب است، نیرویی که در تبلیغات خود علیه رژیم اسلامی گاه و بیگاه اشاراتی به فقر و فلاکت مردم دارد، پیشروی خود را بر مبنای فقر و فلاکت بیشتر مردم استوار کرده است. این همسویی سیاست جنبش راست پرو غربی و رژیم اسلامی در فقر و فلاکت مردم واقعا خیره کننده اما تعجب آور نیست. حاکمیت سرمایه در ایران مستقل از اشکال حکومتی خود تنها میتواند بر "کار ارزان و کارگر خاموش" استوار باشد. فقر و فلاکت محصول مستقیم چنین مناسبات و سیاستی است.

متأسفانه این سیاست نیز بعضا هوادارانی در صفوف گرایش راست در حزب کمونیست کارگری به رهبری حمید تقوایی دارد.

۲- دستیابی به توافقی میان آمریکا و رژیم اسلامی هر چند محتمل اما کماکان با موانع متعددی مواجه است. هر گونه توافقی مستلزم "نرمش قهرمانانه" رژیم در برابر آمریکا و عقب نشینی از مواضع کور ضد آمریکایی حکومت اسلامی

کارگر، معلم، دانشجو، بازنشسته، اتحاد، اتحاد!

را از سر گذرانده اند، هرگز چنین امکانی به رژیم اسلامی نخواهند داد. از طرف دیگر، سرکوب وحشیانه اعتراضات نیز کارائی خود را مدتهاست که از دست داده و تماما به جری تر شدن مردم منتج شده و خواهد شد. واقعیت این است که بن بست اقتصادی و موقعیت بحرانی رژیم راه حلی در چهارچوب رژیم اسلامی ندارد و حل این معضلات تماما به سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی گره خورده است. سرنگونی رژیم در دستور روز جامعه است. افزایش امکانات مالی رژیم در پس آزاد سازی های مالی احتمالی تغییری در معادله مناسبات مردم و رژیم ایجاد نخواهد کرد. رژیم اسلامی بنا به خواست مردم بپا خاسته محکوم به سقوط و سرنگونی است.

۵- این پرسش بر این تصور باطل استوار است که مردم در پس هر گونه توافقی میان آمریکا و رژیم اسلامی به سازش با رژیم کشیده شده و نتیجتا سرنگونی عاجل رژیم از دستور جامعه خارج خواهد شد. واقعیت این است که آنچه احتمالا از دستور خواهد شد، امید به سیاستهای خانه خراب کن تحریم اقتصادی است. بر خلاف تصور جریانات راست محافظه کار سیاست تحریم اقتصادی فاکتوری در جهت استیصال و به زانو در آوردن توده مردم است و نه فاکتوری در جهت گسترش مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه. با ابزار و سیاست خانه خراب کن نمیتوان به اهداف آزادیخواهانه و انسانی رسید.

۶- یاس و نا امیدی جریانات راست از هر گونه توافق احتمالی میان آمریکا و رژیم اسلامی قابل درک است. اهرم تاکتیکی مهمی را از دست خواهند داد. اما این یاس و نا امیدی تأثیری منفی قابل ملاحظه ای در صفوف مبارزات مردمی که در کمین رژیم اسلامی نشسته اند، ندارد. واقعیت این است که جریانات راست نفوذ چندانی در اعتراضات گسترده و بی وقفه کارگران و توده های مردم کارکن ندارند، تأثیری بر اعتراضات کارگری، اعتراضات بازنشستگان و مال باختگان و ... ندارند.

۷- در خاتمه، بارها و بارها باید بر این واقعیت تأکید کرد که رفع تحریمها به خودی خود منجر به بهبود موقعیت اقتصادی مردم در جامعه نخواهد شد. از شدت تشدید فقر و فلاکت خواهد کاست، چرا که از شتاب افزایش هزینه زندگی مردم خواهد کاست، اما الزاما به بهبودی در زندگی مردم منتج نخواهد شد. هر گونه بهبودی در زندگی مردم تنها میتواند حاصل مبارزه مستقیم و متحدانه توده های مردم کارگر و زحمتکش علیه رژیم اسلامی سرمایه باشد.

در تبلیغات ناسیونالیستی، حاکمیت ملی بسادگی با حاکمیت آحاد آن "ملت" یکی جلوه داده میشود. این حقیقت پرده پوشی میشود که در واقع نفس حاکمیت بنام یک ملت و قرار گرفتن هویت ملی بعنوان مبنای حقوقی و معنوی وجود یک کشور، خود ناقض حق حاکمیت شهروندان و محدود کننده حق مردم واقعی در "تعیین سرنوشت خویش" است.

منصور حکمت

نشریه پرسش هر سه شنبه منتشر می شود!

سردبیر: محمد رضا پویا

mohammadreza.pooya@gmail.com

صفحه آرا نشریه: پدرام نواندیش



<http://jahantelegraf.com/>



<https://t.me/nashriyeporsesh>



<https://www.instagram.com/p/CDeAFVhhwHB/?igshid=1rpap256mmt4>



<https://www.facebook.com/kanoonmabahas>

کانون مباحث کمونیسم کارگری

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد!

یک بار هم شده، مدافع قاتلان مردم ایران نباشید!

محمد آسگران

ایران نباشید!

امروز دیدم مسیح علینژاد پاسخی به فائزه رفسنجانی داده و پدر او را ویرانگر ایران و آمر کشتار مخالفین معرفی کرده است. تا اینجای کار مشکلی نیست.

بخشی از حرف مخالفین جمهوری اسلامی را با تاخیر دو دهه تکرار کرده است.

او از فائزه رفسنجانی خواسته پدرش را نقد کند. اما خودش در کنار رضا پهلوی نشسته است که پدرش و پدر بزرگش قاتل و دیکتاتور بوده اند. این سازده نه تنها نقدی به آنها ندارد، بلکه مدافع سینه چاک پدر و پدر بزرگش است! از این هم بدتر خود خانم علینژاد مدافع سیاستهای پدر و پدر بزرگ همفکر جدیدش شده است.

خانم علینژاد میدانند که گفتن نصف حقیقت یک دروغ بیشرمانه است و اینجا باید گفت یک کلاه برداری آشکار به سبک ژورنالیستهای نان به نرخ روز خور است.

سوال این است اگر قرار است عدالت در مورد همه یکسان باشد چرا کشته شدگان دوره رضا شاه و محمد رضا شاه از منظر مسیح علینژاد همین عدالت شامل حالشان نمیشود و از رضا پهلوی نمیخواهد همین کار را بکند؟ در حالیکه رضا پهلوی به سبک فائزه رفسنجانی و حتی گستاخ تر از او و طولانی مدت تر از او همچنان از اعمال جنایتکارانه پدر و پدر بزرگش دفاع میکند و خانم علینژاد در این مورد نه تنها ساکت بلکه با او همصدا شده است و علیه مخالفین شاه دست به لیچار گویی زده است؟

باید به خانم علینژاد گفت مگر اعدام گلسرخی و جزئی و شکنجه های ساواک و کشتار صدها و هزاران فعال سیاسی و شکنجه کردن هزاران مخالف رژیم شاه، جنایت و قتل نبودند که شما از اعمال شاه دفاع میکنید و نوید احیای آن جهنم را میدهید؟

آیا قرار است یک بار دیگر مردم از ترس عقرب به مار غاشیه رضایت بدهند؟

اینجا و در مورد دفاع از اعمال رضا شاه و محمد رضا شاه خانم علینژاد همان کاری را میکند که فائزه رفسنجانی و رضا پهلوی کرده اند. اتفاقاً در دوره های متفاوتی از سیاست و

اعمال پدران جنایتکار آنها دفاع کرده است! چرا خانم علینژاد اینجا در کنار نظام سلطنت و قاتلان ایستادن را برای خود افتخار میدانند؟ وقتیکه او از فائزه رفسنجانی میخواهد که پدرش را جانی و ویرانگر ایران معرفی کند، با چه منطقی همزمان با این درخواست از دختر رفسنجانی در کنار سلطنت طلبان و رضا پهلوی می ایستد و جنایات و کشتار دوره شاه را قابل دفاع میدانند!

این یک بام و دو هوا تنها اپورتونیزم او را عیان نمیکند. بلکه این تکرار همان سیاست و روش شنیعی است که او قبلاً از اصلاح طلبان دفاع میکرد و همزمان در مقابل اپوزیسیون رادیکال و چپ می ایستاد. چند سالی طول کشید تا در خارج از کشور از این شغل ناشرافت مندانه دست بردارد.

اما تنها کاری و تنها "تغییری" که کرد این بود از سالن اصلاح طلبان به سالن سلطنت طلبان مهاجرت کرد. از کنار فائزه خانم دوستش، بلند شد و به سالن سلطنت طلبان رفت و در کنار رضا پهلوی نشست. دست بردار دفاع از خاتمی شد و مدافع "دستاوردهای مدرن و حقوق زنان" در دوره شاه شد. این تمام "تغییر"ی است که او کرده است.

انصافاً باید گفت "تغییر" رضا پهلوی و فائزه رفسنجانی بیشتر از خانم علینژاد بوده است. زیرا آنها فقط دفاع از اعمال پدران خود را در پرونده دارند. این خانم پرونده دفاع از هر دو جنایتکار (رفسنجانی و محمد رضا شاه) را در پرونده خودش ثبت کرده است.

بیش از دو دهه طول کشید که این خانم بگوید "اشتباه" کرده است که از اصلاح طلبان حکومتی دفاع نموده، اما در همین دوره "تغییر" اش چند ماه طول نکشید که خودش را مدافع رژیم شاه معرفی کرد! این دودوزه بازی و دنبال جنایتکاران راه افتادن و از قاتلان مردم دفاع کردن و در زیر عبای آخوند و شغل سلطنت جا گرفتن، شغل ثابت و همیشگی خانم مسیح علینژاد بوده است. این نوع دغل بازان و مدافعان جنایتکاران را باید بیش از این افشا و رسوا کرد.

در جامعه آلمان هر کسی مستقیم و غیر مستقیم از اعمال و سیاستهای هیئتلر دفاع کند او را راسیست و فاشیست میدانند. اما خانم علینژاد یک جا دفاع از اعمال دو جنایتکار و دو هیئتلر تاریخ ایران را در پرونده دارد و همچنان با پررویی تمام مدعی است!



اگر دنیا دست ما باشد!

اول ماه مه روز ماست! روز همبستگی و اتحاد کارگران جهان! روز اعتراض به تمامیت نظام سرمایه داری و کلیه مصائبی که از وجود این نظام گریبانگیر انسانها شده است. اعتراض به نابرابریهای موجود، اعتراض به تبعیض علیه انسانها، اعتراض به موقعیت فرودست زن، اعتراض به تعصبات جاهلانه و مذهبی، اعتراض به پایمال شدن آرزوهای انسانی، اعتراض به له شدن هر روزه حرمت انسانها، اعتراض به قدر قدرتی و میلیتاریسم، اعتراض به مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و معیشت انسانها، و بالاخره اعتراض به اجبار انسانها به فروش نیروی کارشان، اعتراض به نفس وجودی سرمایه و سیستم بردگی مدرن کار مزدی!

اول ماه مه روز اعتراض ماست به نظامی که در مهد تمدنش انسانها مجبورند در گوشه و کنار خیابان از سرما و فقر جان بکنند، در حالیکه توان انسانها را برای ساختن یک دنیای بهتر با ارتش و قدرت نظامی و جنگ تبلیغاتی با توسل به انواع ایده‌های مدرن و ضد مدرن به بند کشیده‌اند. اول ماه مه روز اعتراض به سیستمی است که صدها میلیون را با برنامه بیکار نگه‌میدارند تا سود سرمایه دچار نقصان نشود. ماشین آلات و ابزار تولید تامین نیازمندیهای انسانها را راکد نگه‌میدارند، میلیونها تن مواد غذایی را در خاک دفن میکنند، در حالیکه میلیونها کودک از گرسنگی در اقصی نقاط جهان سالانه فنا میشوند. اول ماه مه روز اعتراض به نظامی است که معلمین را بیکار میکند، در حالیکه صدها میلیونها تن در بیسوادی و بی بهره از علم و دانش روز را به شب میرسانند. سالمندان و از کار افتادگان نیازمند نگهداری و مراقبتند، در حالیکه مددکاران اجتماعی را بیکار میکنند، و بیمارستانها را بخاطر عدم سود دهی تعطیل میکنند. اول ماه مه روز اعتراض ماست به سیستمی که انگیزه فعالیت اقتصادی آن نه رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده انسانها، بلکه سود سرمایه است. نظامی که رقابت در آن با تمام زشتی‌هایش سلطنت میکند. نظامی که اجبار انسانها به فروش نیروی کارشان شرط بقای هر روزه‌اش است. اول ماه مه روز اعتراض ماست به این نظام ضد انسانی!

اما اگر دنیا دست ما بود، کسی گرسنه نمی‌ماند، کسی بیسواد نمی‌ماند، کسی شب را در خیابان به صبح نمی‌رساند. از زاغه نشینی خبری نبود. هیچ کودکی از کمبود تغذیه جان نمی‌سپرد. استعداد و خلاقیت کسی بخاطر جایگاهش در تولید و تعلقش به طبقه اجتماعی خاصی نابود نمیشد. آرزوها و آمل انسانها بخاطر سود سرمایه به خاک سپرده نمیشد. آزادی بیان و عقیده قید و شرط و محدودیتی نداشت. جایی برای زن ستیزی در جامعه نبود. زن انسانی فرودست نبود. خرافات و جهل از جامعه رخت برمی‌بست. کسی برای تامین نیازمندیهای زندگی مجبور نبود مبارزه کند، جان بکند، اعتصاب کند. برخورداری از تمامی مواهب زندگی حق همگان بود و نه مزیت اقلیتی. کار فعالیتی خلاقانه بود و نه تلاشی کسالتبار و خسته کننده برای دریافت مزد و هر کس به اندازه نیازش از کلیه مواهب زندگی برخوردار میشد و به اندازه استعدادش به غنای جامعه می‌افزود. اگر دنیا دست ما بود، تمام آحاد مردم از مواهب و دستاوردهای بشریت بهره‌مند میشدند. رشد خلاقیت‌های انسانها، رشد دانش و علم و هنر و رفاه اجتماعی هر فرد پیش شرط رشد جامعه بود. این جهان وارونه را باید از قاعده‌اش بر زمین گذاشت. و این هدف جنبش کمونیسم کارگری است!

زنده باد همبستگی کارگران جهان!

مرگ بر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران

فروردین ۱۳۸۰ - آوریل ۲۰۰۱

پرسش، نشریه کانون مباحث کمونیسم کارگری را به دوستان خود معرفی کنید!